

بررسی انتساب کتاب کفایة الاثر به علی بن محمد خزّاز قمی رازی

سعید کریمیان^۱ / مهدی مهریزی^۲ / مزگان سرشار^۳ / سید محمدعلی ایازی^۴

چکیده

این مقاله برای اثبات صحت انتساب کتاب کفایة الاثر به خزّاز قمی است که برای این هدف مراحلی را پیموده است. اول اینکه آیا در کتاب های تراجم که تقریباً هم دوره با مؤلف بوده نامی از او برده شده است یا نه؟ دوم اینکه تراجم نویسان نام این کتاب را برای او ذکر کرده اند یا نه؟ و سوم آنکه کتابی که امروز در دست ماست آیا همان کتابی است که در قرون اولیه بوده است یا نه؟ در مورد نکته سوم لازم است روایات کتاب موجود را با روایات کتب ماقبل مطابقت شود تا به نوعی از «این همانی» در نقل روایات دست یافت، بدین معنی که نقل روایات در طول قرون دستخوش تغییر و تبدیل نشده باشد. چنانچه احادیث این کتب در حد معناداری مطابقت داشته و انتساب کتاب به مؤلفش نیز توسط مؤلفان بعدی تأیید و تکرار شده باشد، می توان انتساب کتاب مورد نظر را به مؤلفش صحیح دانست. براساس یافته های این مقاله؛ اولاً صاحبان تراجم از مؤلف کتاب یعنی علی بن محمد بن علی خزّاز قمی نام برده اند. ثانیاً با اینکه از کتاب او تا قرن ششم نامی نبرده اند، اما قرائنی براین مطلب شهادت می دهد. ثالثاً پس از بررسی روایات کتاب با نقل های آن در کتب بعدی معلوم شد که «این همانی» در مورد روایات آن با درصد بالایی محقق شده است. در نتیجه می توان چنین بیان نمود که انتساب کتاب کفایة الاثر به علی بن محمد بن علی خزّاز قمی رازی، عالم حدیثی قرن چهارم با درصد بسیار بالایی صحیح می باشد.

کلید واژه: کفایة الاثر (کتاب)، خزّاز قمی، انتساب کتاب، پژوهش های کتابشناسی

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.
۲. دانشیار دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.
۳. استادیار دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.
۴. استادیار دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.

بیان مسئله

کتاب «کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر» بر اساس نقل تعداد زیادی از محدّثان و بیان شماری از عالمان رجالی، به علی بن محمد بن علی خزّاز قمی رازی، عالم حدیثی قرن چهارم و پنجم هجری منسوب است. کتاب‌های حدیثی قرون بعدی، از این کتاب روایاتی نقل کرده‌اند. به جهت اثبات انتساب کتاب به مؤلف آن، در این مقاله بررسی شده است که:

اولاً صاحبان تراجم مانند نجاشی و شیخ طوسی، علی بن محمد بن علی خزّاز قمی را از عالمان موثق دوره خود دانسته‌اند.

ثانیاً این دو عالم رجالی اگرچه نامی از کتاب کفایة الاثر نبرده‌اند ولی او را متکلم و دارای کتاب کلامی دانسته‌اند. کتاب کفایة الاثر نیز کتابی کلامی است.

ثالثاً نقل روایات کتاب کفایه در طول قرون بعدی دستخوش تغییر نشده و آنچه اکنون در دست داریم، همان است که در قرون گذشته در اختیار محدّثان و عالمان شیعه بوده است. بدین جهت، کتاب‌های «معالم العلماء» و «مناقب آل ابیطالب» اثر ابن شهر آشوب مازندرانی و کتاب «مشکاة الانوار» اثر علی بن حسن طبرسی، دو عالم قرن ششم، کتاب «فرحة الغری» اثر عبد‌الکریم بن احمد بن طاووس عالم قرن هفتم، کتاب «فرائد السمطین» اثر ابراهیم بن محمد جوینی عالم قرن ۷ و ۸ و کتاب «الصراط المستقیم» اثر علی بن محمد بیاضی نباطی عالم قرن ۹ مورد بررسی قرار گرفت. در این بررسی یک روایات نقل شده با روایات اصل کتاب مطابقت داده شده است. در نهایت با توجه به نتایج حاصل شده، معلوم گردید که اولاً کتاب کفایه موجود همان کتابی است که در دست مؤلفان قرون قبلی بوده است و ثانیاً کتاب کفایه اصالتاً تألیف علی بن محمد خزّاز قمی است. البته کتابهای پس از قرن نهم و دهم نیز از خزّاز بسیار نقل کرده‌اند، ولی چون این کتب مبتنی بر کتب قبلی هستند، مطابقت روایات آنها را لازم ندیدیم.

پیشینه

در مورد انتساب کتاب کفایة الاثر به محدث قرن چهارم و پنجم هجری، علی بن محمد

بن علی خزاز قمی رازی، چندین تحقیق انجام شده است. عمده این پژوهش‌ها در مقدمه چاپ‌های مختلف این کتاب به انجام رسیده است. مهمترین این پژوهش‌ها، تحقیق آقای رضا رفیعی در چاپ انتشارات مکتبه العلامة المجلسی قم است. همچنین دو مقاله در این رابطه یافت شد. یکی مقاله «نصوص شیخ مفید یا کفایة الاثر خزاز» از آقای رضا استادی (استادی، ۱۳۷۲) و دیگری مقاله «نسخه‌ای نفیس از کتاب کفایة الاثر خزاز قمی» از محمد کاظم رحمتی (رحمتی، ۱۳۹۵: ۲۳۸). نیز یادداشتی از حسن انصاری را در این مورد می‌توان نام برد (انصاری، ۱۳۸۶). اما آنچه در این مقاله بدان پرداخته شده - که همانا مقایسه و مطابقت روایات کفایه با کتب بعد از آن است - در این پژوهش‌ها به چشم نمی‌خورد.

معرفی خزاز قمی و کتاب کفایة

کتاب کفایة الاثر در موضوع نصوص وارد شده در باره دوازده امام و اثبات عدد و نام‌های ایشان، توسط علی بن محمد بن علی الخزاز القمی الرازی، محدث قرن چهارم و پنجم هجری تألیف شده است. برای معرفی بیشتر از کتاب و مؤلف آن، خوانندگان عزیز را به مقاله دیگر نگارنده با عنوان «ابتناء کتاب کفایة الاثر بر کتب شیخ صدوق» ارجاع می‌دهم. (کریمیان، ۱۴۰۰)

بخش اول: خزاز قمی در کتب رجال متقدم

نجاشی در کتاب خود از خزاز نام برده و او را توثیق کرده است: «علی بن محمد بن علی الخزاز ثقة من اصحابنا ابوالقاسم و كان فقیهاً وجهاً، له کتاب: الايضاح فی اصول الدین علی مذهب اهل البيت (علیه السلام)» (نجاشی، ۱۳۸۶: ۲۶۸)

همچنین شیخ طوسی در دو کتاب خود از خزاز نام برده و او را توثیق کرده است: «علی الخزاز الرازی متکلم جلیل، له کتب فی الکلام و له أنس بالفقه، و كان مقيماً بالرّي و بها مات.» (طوسی، ۱۴۲۰: ۲۹۰). نیز «علی بن أحمد بن علی الخزاز نزیل الرّي یکنی أبا الحسن متکلم جلیل» (طوسی، ۱۳۷۳: ۴۳۰). این دو رجالی برجسته خزاز قمی را ثقه دانسته و از وی تجلیل کرده‌اند.

بخش دوم: جایگاه کفایة الاثر در کتب متقدّم

نجاشی در فهرست خود نامی از این کتاب نبرده است. اما کتاب «الایضاح فی اصول الدین علی مذهب اهل البیت» را نام برده که - همانطور که از نامش پیداست - یک کتاب کلامی است. نجاشی، خود، فقیه بودن خزّاز را مقدم دانسته، ولی کتابی را که از او نام برده یک کتاب کلامی و اعتقادی است.

شیخ طوسی نیز در فهرست و رجال خود نام این کتاب را ذکر نکرده، ولی بیان او نشانگر آن است که جنبه کلامی خزّاز در نظر او جلوه بیشتری داشته است. او در فهرست خود با تعبیر «متکلم جلیل له کتب فی الکلام...» و در رجال خود با تعبیر «متکلم جلیل» از خزّاز یاد کرده است. معرفی چهره‌ای کلامی از خزّاز توسط نجاشی و شیخ طوسی انتساب کتاب کفایة الاثر را که یک کتاب کلامی است به خزّاز قوی‌تر می‌نماید.

بخش سوم: تطبیق روایات

در این بخش به بررسی تفصیلی شش کتاب حدیثی که در فاصله قرن ششم تا قرن نهم نگاشته شده و در آنها روایاتی از خزّاز قمی و کتاب کفایه نقل شده است، می‌پردازیم. در هر یک از این کتب، ابتدا روایتی را که مؤلف از خزّاز نقل کرده، آورده ایم؛ سپس روایت مربوطه را از کتاب کفایه موجود نقل نموده‌ایم. در نتیجه چنانچه هر دو نقل مشابهت داشت، آن را دلیلی بر اثبات انتساب کتاب به خزّاز گرفته‌ایم.

یکم) ابن شهر آشوب مازندرانی عالم قرن ۶ در دو کتاب «معالم العلماء» و «مناقب آل ابی طالب»

ظاهراً نخستین کسی که کتاب خزّاز را با نام «الکفایة فی النصوص» نامور کرده است، ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ ق) در دو کتاب «معالم العلماء» و «مناقب آل ابی طالب» است. وی در کتاب معالم می‌نویسد:

علي بن محمد بن علي الخزاز الرازي و يقال له القمي، له كتب في الكلام و في الفقه. من كتبه: كتاب الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية، الإيضاح في الاعتقاد، الكفایة فی النصوص. (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱۳۷۱)

در کتاب «مناقب» نیز تحت عنوان «فصل فیما روته الخاصة» به طور دقیق‌تر به معرفی و نقل تعدادی از روایات کفایه می‌پردازد:

«فصل فیما روته الخاصة»: و ذلك نوعان. منها ما روى عن النبي ﷺ، ومنها ما نصّ الأبناء على الأبناء. وهذا إنما يجيء في باب كل إمام إن شاء الله. فأما ما روى عن النبي ﷺ فكفالك كتاب الكفاية في النصوص عن الخزاز القمي نزيل الري. وذلك أنه روى مائة وخمسة وخمسين خبراً من طرق كثيرة من جهة أصحاب النبي ﷺ؛ مثل ابن عباس روى عنه سعيد بن جبيرة وأبو صالح ومجاهد وطاوس والأصبغ وعطا، ومثل ابن مسعود روى عنه عطاء بن السائب عن أبيه ومسروق وقيس بن عباد وحنش بن المعتمر... (همان، ۱۳۷۹: ۱/۲۹۳)

به همین ترتیب او ۲۵ تن از روایان خزاز را نقل می‌کند که همه آنها با کتاب موجود مطابقت دارد. در اینجا بیان ابن شهر آشوب را با بیان خزاز در کفایه مطابقت می‌دهیم. برای رعایت اختصار، تنها در دو مورد عبارات کتاب کفایه الاثر نقل می‌شود، و در موارد دیگر با ذکر شماره صفحه آن خوانندگان پژوهشگر را به اصل کفایه الاثر ارجاع می‌دهیم.

(۱) مناقب: ... مثل ابن عباس روى عنه سعيد بن جبيرة وأبو صالح ومجاهد و طاوس والأصبغ وعطا. (همان: ۱/۲۹۳ - ۲۹۴)

➤ کفایه: فهذا عبد الله بن عباس روى عنه سعيد بن جبيرة ومجاهد و طاوس اليماني والأصبغ بن نباتة وعطا. (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۲)

(۲) مناقب: و مثل ابن مسعود روى عنه عطاء بن السائب عن أبيه و مسروق و قيس بن عباد و حنش بن المعتمر

➤ کفایه: وهذا عبد الله بن مسعود روى عنه السائب و مسروق و قيس بن سعد و حبش بن المعتمر. (همان: ۲۷)

(۳) مناقب: و مثل أبي سعيد الخدري روى عنه عطية العوني وأبو هارون العبدي وسعيد بن المسيب وأبو الصديق الناجي (مقایسه با: خزاز: ۳۴)

۱. تمامی سندهایی که ابن شهر آشوب از کفایه الاثر نقل کرده است در همین منبع آمده است، لذا از تکرار منبع خودداری می‌نماییم.

- ۴) مناقب: و مثل ابي ذر روى عنه أبو الحارث و حنش بن المعتمر و ابن المسيب (مقایسه با: خزاز: ۳۹)
- ۵) مناقب: و مثل سلمان الفارسي روى عنه سليم بن قيس الهلالي وأبو حازم والسائب بن أوفى وأبو مالك وأبو القاسم بن عليم الأزدي (مقایسه با: خزاز: ۴۸)
- ۶) مناقب: و مثل جابر الأنصاري روى عنه جابر الجعفي وواتلة بن الأسقع والقاسم بن حسان و محمد الباقر عليه السلام (مقایسه با: خزاز: ۶۷)
- ۷) مناقب: و مثل ابي أيوب الأنصاري روى عنه إياس بن سلمة بن الأكوع ويزيد بن هارون عن مشيخته عنه (مقایسه با: خزاز: ۱۱۹)
- ۸) مناقب: و مثل عمار بن ياسر روى عنه أبو الطفيل وأبو عبيدة بن محمد بن عمار (مقایسه با: خزاز: ۱۲۶)
- ۹) مناقب: و مثل حذيفة بن اليمان روى عنه أحمد بن عبد الله بن يزيد بن سلام (مقایسه با: خزاز: ۱۳۸)
- ۱۰) مناقب: و مثل حذيفة بن أسيد - روى عنه أبو الطفيل وأبو جحيفة وهشام. (مقایسه با: خزاز: ۱۳۰)
- ۱۱) مناقب: و مثل زيد بن أرقم روى عنه محمد بن زياد - ويزيد بن حسان وأبو الضحى. (مقایسه با: خزاز: ۱۰۴)
- ۱۲) مناقب: و مثل وائلة بن الأسقع روى عنه مكحول - والأجلح و خالد بن معدان و أبو سليمان الضبي - وإبراهيم بن أبي عبلة والقاسم. (مقایسه با: خزاز: ۱۱۲)
- ۱۳) مناقب: و مثل زيد بن ثابت روى عنه القاسم بن حسان وأبو الطفيل. (مقایسه با: خزاز: ۹۹)
- ۱۴) مناقب: و مثل ابي أمامة أسعد بن زرارة روى عنه الأجلح الكندي والقاسم وأبو سليمان الضني (مقایسه با: خزاز: ۱۰۷)
- ۱۵) مناقب: و مثل عمران بن حصين روى عنه مطرف بن عبد الله والأصبغ وأبو عبد الله الشامي. (مقایسه با: خزاز: ۱۳۳)
- ۱۶) مناقب: و مثل سعد بن مالك روى عنه سعيد بن المسيب (مقایسه با: خزاز: ۲۷)

- (۱۷) مناقب: و مثل جابر بن سمرة روى عنه زياد بن عقبه و عبد الملك بن عمير و الشعبي - و سماك بن حرب و الأسود بن سعيد الهمداني (مقايسه با: خزاز: ۵۲)
- (۱۸) مناقب: و مثل أنس روى عنه هشام و يزيد - و أنس بن سيرين و أبو الغالية - و حفصة بنت سيرين و الحسن البصري (مقايسه با: خزاز: ۷۸)
- (۱۹) مناقب: و مثل أبي هريرة روى عنه سعيد المقبري - و عبد الرحمن الأعرج و أبو صالح السمان - و أبو مریم و أبو سلمة. (مقايسه با: خزاز: ۸۹)
- (۲۰) مناقب: و مثل أبي قتادة روى عنه^۱ (مقايسه با: خزاز: ۱۴۲)
- كفايه: و هذا أبو قتادة روى عنه عمرو بن ميمون و حريز و سعيد بن المسيب و يحيى بن منقذ (منقذ) و هشام. (همان: ۱۴۲)
- (۲۱) مناقب: و مثل عمر بن خطاب روى عنه المفضل بن حصين - و عبد الله بن مالك (مقايسه با: خزاز: ۹۲)
- (۲۲) مناقب: و مثل عمرو بن عثمان بن عفان عن ابيه (مقايسه با: خزاز: ۹۴)
- (۲۳) مناقب: و مثل عائشة روى عنها شعبة عن قتادة عن الحسن البصري عن أبي سلمة - و روى هشام بن جابر عن أبي سلمة و محمد بن إبراهيم عن أبي سلمة - و أبو بشير محمد بن المنكدر عن أبي سلمة عنها. (مقايسه با: خزاز: ۱۹۲)
- (۲۴) مناقب: و مثل فاطمة الزهراء عليها السلام روى عنها زينب بنت علي و أبو ذر و سهل الساعدي و جابر الأنصاري و الحسين بن علي و عباس بن سعد الساعدي (مقايسه با: خزاز: ۲۰۰)
- (۲۵) مناقب: و مثل أم سلمة روى عنها عمار الدهني و ابن جبیر و مقلاص (مقايسه با: خزاز: ۱۸۶)

ابن شهر آشوب، با استفاده از کتاب کفایه‌ای که از خزاز در دست داشته ۲۵ تن از صحابه رسول خدا را که خزاز از آنها روایت کرده یک یک نام می‌برد و سلسله راویان آنها را نیز ذکر می‌کند. همان گونه که در فهرست بالا مشاهده می‌شود، نام تمامی صحابه و همه راویان آنها در کتاب مناقب آل ابی طالب که در قرن ششم تألیف شده با نام صحابه و راویان آنها

۱. در این قسمت افتادگی دارد، توضیح بعداً داده خواهد شد.

در کتاب کفایة الاثر موجود (به جز دو مورد که توضیح داده خواهد شد) مطابقت دارد. این مطلب انتساب کتاب کفایة موجود را به خزّاز تثبیت می نماید. تنها دو تن از صحابه رسول خدا ﷺ که در بیان ابن شهر آشوب با کفایة موجود تطبیق ندارد، راویان ابوقتاده و ام سلمه است. در مورد ابوقتاده به نظر می رسد که از قلم مؤلف یا ناسخ یا ناشر افتاده است. اما در مورد ام سلمه که اختلاف در بیان دو کتاب هست، در کاوشی که نگارنده داشته است، علت این اختلاف را چنین بیان می نماید.

در بیان ابن شهر آشوب راویان ام سلمه را چنین نگاشته است: «و مثل أم سلمة روی عنها عمار الدهني وابن جبیر ومقلاص». در حالی که در کفایة موجود، عمار دهنی و ابن جبیر و مقلاص، روایتی از ام سلمه ندارند. در عوض خزّاز روایات ام سلمه را از «شداد بن اوس و حکم بن قیس و أبو الأسود و أبو ثابت» نقل می کند. با بررسی به این نکته رسیدیم که احتمالاً یا خود ابن شهر آشوب یا برخی از ناسخان این سهورا مرتکب شده اند. ابن شهر آشوب در کتاب دیگرش به نام «متشابه القرآن و مختلفه» بیان مشابهی دارد که این اشتباه از آنجا رخ نموده است. وی در این کتاب روایان حدیث «یکون بعدی اثنا عشر خليفة» را به طور مبسوط برمی شمرد و در میان آنها نام ام سلمه و راویان او را نیز بیان می کند که دقیقاً مشابه کلامش در کتاب مناقب است و احتمالاً خود او یا ناسخان اشتباه آن کلمات را در کتاب مناقب آورده اند:

ابن شهر آشوب در متشابه القرآن می گوید: «وروی عماد الذهبی وابن جبیر عن مقلاص عن أم سلمة». (همان، ۱۳۶۹: ۲/۵۶)؛ و در مناقب می گوید: «و مثل أم سلمة روی عنها عمار الدهني وابن جبیر ومقلاص». (همان، ۱۳۷۹: ۱/۲۹۴). نتیجه آنکه وجود یک مورد اختلاف آن هم با توضیحی که داده شد، بر اثبات انتساب کتاب کفایة به خزّاز، خدشه ای وارد نمی کند.

ابن شهر آشوب در ادامه سخن خود از کتاب کفایة، پس از نقل سلسله روایات از صحابه، تابعین را یاد می کند و می نویسد: «ومن التابعین مثل زید بن علي والأئمة الإحدى عشرة واحدا واحدا» که باز هم با کفایة موجود مطابقت دارد.

ابن شهر آشوب در ادامه، ۱۱ حدیث را از کتاب کفایه برگزیده و نقل می‌کند. ما این روایات را نیز یک به یک در دو کتاب «مناقب آل ابی طالب» از قرن ششم و کتاب «کفایه الاثر» طبع قرن چهاردهم با یکدیگر مقایسه و منطبق کرده ایم تا باز هم برانتساب کتاب به خزاز تأیید و تأکید بیشتری نماییم. البته مانند مورد پیش برای رعایت اختصار، تنها برای دو مورد مقایسه تفصیلی بیان شده و در موارد بعدی فقط به ارجاع بسنده می‌شود.

ابن شهر آشوب در مناقب می‌نویسد: فما أخبرت منها ما رواه:

(۱) مناقب: الأصبغ عن ابن عباس قال سمعت رسول الله ﷺ يقول أنا وعليّ والحسن والحسين وتسعة من ولد الحسين مطهرون معصومون. (همان، ۲۹۵-۲۹۶)

➤ کفایه: عن الأصبغ بن نباتة عن عبد الله بن عباس قال سمعت رسول الله ﷺ يقول أنا وعليّ والحسن والحسين وتسعة من ولد الحسين مطهرون معصومون. (خزاز، ۱۴۰۱: ۱۹)

(۲) مناقب: ابن السائب عن ابن مسعود قال قال النبي ﷺ الأئمة بعدي اثنا عشر تسعة من صلب الحسين والتاسع مهديهم.

➤ کفایه: عن عطاء بن السائب عن أبيه عن عبد الله بن مسعود قال سمعت رسول الله ﷺ يقول الأئمة بعدي اثنا عشر تسعة من صلب الحسين والتاسع مهديهم. (همان: ۲۳)

(۳) مناقب: حنش بن المعتمر عن ابن المعتمر قال قال النبي ﷺ الأئمة بعدي اثنا عشر كلهم من قريش. (مقایسه با: خزاز: ۲۷)

(۴) مناقب: عطية العوفي عن الخدري قال النبي ﷺ للأئمة أنت الإمام ابن الإمام تسعة من صلبك أئمة أبرار والتاسع قائمهم. (مقایسه با: خزاز: ۲۸)

(۵) مناقب: أبو ذر قال قال النبي ﷺ الأئمة بعدي اثنا عشر تسعة من صلب الحسين تاسعهم قائمهم ثم قال ألا إن مثلهم فيكم كمثل سفينة نوح من ركبها نجا ومن تخلف عنها هلك و مثل باب حطة في بني إسرائيل. (مقایسه با: خزاز: ۳۸)

(۶) مناقب: سلمان الفارسي قال قال النبي ﷺ الأئمة بعدي بعدد نساء بني إسرائيل

۱. مجموعه روایات یازده گانه ابن شهر آشوب در این منبع است، لذا از تکرار منبع خودداری می‌شود.

كانوا اثني عشر ثم وضع يده على صلب الحسين وقال من صلبه تسعة أئمة أبرارٍ والتاسع مهديهم يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً فالويل لمبغضيههم. (مقايسه با: خزاز: ۴۷)

(۷) مناقب: جابر الأنصاري قال يا رسول الله وجدت في التوراة أيقظوا شبراً وشبيراً فلم أعرف أساميهم فكم بعد الحسين من الأوصياء وما أساميهم فقال تسعة من صلب الحسين والمهدي منهم الخبر. (مقايسه با: خزاز: ۵۷)

(۹) مناقب: المفضل بن حصين عن عمر بن الخطاب سمعت النبي ﷺ الأئمة بعدي اثنا عشر ثم أخفى صوته فسمعتة يقول كلهم من قريش. (مقايسه با: خزاز: ۹۰)

(۱۰) مناقب: أنس قال النبي ﷺ الأئمة بعدي من عترتي فقبل يا رسول الله فكم الأئمة بعدك فقال عدد نعباء بني إسرائيل. (مقايسه با: خزاز: ۷۸)

(۱۱) مناقب: فاطمة ﷺ سألت أبيها [أباها] عن قول الله تعالى: «وعلى الأعراف رجالاً». قال: هم الأئمة بعدي عليّ وسبطاي وتسعة من صلب الحسين، فهم رجال الأعراف، لا يدخل الجنة إلا من يعرفهم ويعرفونه، ولا يدخل النار إلا من أنكرهم وينكرونه، لا يعرف الله تعالى إلا على سبيل معرفتهم. (مقايسه با: خزاز: ۱۹۴)

(۱۲) مناقب: أبو امامة: قال النبي ﷺ: لَمَّا عَرَجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ مَكْتُوباً عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ بِالتُّورِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَيْدَتَهُ بَعْلِيٌّ وَنَصْرَتَهُ بَعْلِيٌّ، ثُمَّ بَعْدَهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَرَأَيْتُ عَلِيّاً عَلِيّاً عَلِيّاً وَرَأَيْتُ مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا مَزْتِينَ وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَالْحَسَنَ وَالْحِجَّةَ، اثْنِي عَشَرَ اسْمًا مَكْتُوبًا بِالتُّورِ. فَقُلْتُ: يَا رَبِّ! أَسْمِي مِنْ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ قَرْنَتْهُمْ لِي؟ فَنُودِيْتُ: يَا مُحَمَّدُ! هُمُ الْأَئِمَّةُ بَعْدَكَ وَالْأَخْيَارُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ. (مقايسه با: خزاز: ۱۰۵)

مشاهده می شود که این یازده حدیث، چه از نظر سند و چه از نظر متن، در دو کتاب «کفایة الاثر» و «مناقب ابن شهر آشوب»، بغایت به هم شباهت دارند. با توجه به بررسی اسناد و متن روایات نقل شده در کتاب مناقب ابن شهر آشوب از کتاب کفایه، به خوبی

می‌توان دریافت که نسخه‌ای از کفایه که در قرن ششم در دست ابن شهرآشوب بوده، همان کتابی است که امروز به دست ما رسیده و به کوشش عالمان و پژوهشگران، تحقیق و طبع و نشر شده است.

ابن شهرآشوب در کتاب معالم العلماء نیز که یک کتاب رجالی است، سه کتاب از خَزَّاز قمی معرفی می‌کند. او در کتاب مناقب، از دو کتاب از این سه کتاب نقل روایت کرده و این نشانگر آن است که این دو کتاب را در دست داشته است. این دو کتاب عبارتند از:

۱- کتاب الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامية

۲- الكفاية في النصوص

ابن شهرآشوب در کتاب مناقب، مشایخ و اسناد خَزَّاز و نیز یازده روایت منتخب را از کتاب «کفایه» نقل کرده است که قبلاً به آن پرداخته شد. وی همچنین از کتاب «الاحکام الشرعية» چهار حدیث روایت کرده است که آنها را نیز در اینجا می‌آوریم تا در دسترس بودن این کتاب برای ابن شهرآشوب را روشن‌تر نماییم:

۱) وفي الأحكام الشرعية عن الخزاز القمي أن علياً كان في مسجد الكوفة فمربه عبد الله بن قفل التيمي ومعه درع طلحة أخذت غلواً يوم البصرة فقال عليه السلام هذه... (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۲/۱۰۵)

۲) الأحكام الشرعية عن الخزاز القمي قال سلمة بن كهيل: قال أتى أمير المؤمنين برجلٍ قد قتل رجلاً خطأ فقال... (همان: ۳۷۴)

۳) وفي الأحكام الشرعية عن الخزاز القمي أنه نظر النبي صلى الله عليه وآله إلى أولاد عليٍّ وجعفرٍ فقال: بناتنا لبنينا وبنونا لبناتنا. (همان: ۳/۳۰۳)

۴) أبو الحسن الخزاز القمي في الأحكام الشرعية: سئل أبو عبد الله عن فاطمة من غسلها؟ فقال: غسلها أمير المؤمنين، لأنها كانت صديقة لم يكن ليغسلها إلا صديق. (همان: ۳/۳۶۴)

متأسفانه کتاب «الاحکام الشرعية» اثر خَزَّاز قمی امروز در دست نیست تا مقایسه‌ای مانند کفایه را با آن انجام دهیم. اما تطبیق صد در صدی روایات نقل شده از کفایه توسط ابن شهرآشوب را می‌توان دلیل صدق گفتار وی در مورد دیگر کتب خَزَّاز دانست.

دوم) علی بن حسن طبرسی عالم قرن ششم در «مشکاة الانوار»

دیگر عالم قرن ششم که در کتاب خود از کتاب کفایه به نقل روایت پرداخته است، علی بن حسن بن فضل طبرسی (م ۶۰۰ ق) در کتاب «مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار» است. این کتاب نیز از مؤلفات قرن ششم است. او یک روایت از کتاب «الكفاية فی النصوص» از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند. طبرسی نامی از خزاز نبرده است، ولی انطباق این روایت با روایت مشابه آن در کفایه موجود، وجود این اثر را در قرن ششم و در دسترس بودن برای حداقل دو تن از عالمان آن عصر را قویاً تقویت می‌کند. همچنین این مشابهت صد در صدی انتساب کتاب را به خزاز بیش از پیش تحکیم می‌بخشد. در اینجا این روایت را از دو کتاب «مشکاة الانوار» قرن ششم و «کفایة الاثر» موجود در پی هم می‌آوریم:

❖ روایت طبرسی: من کتاب الكفاية فی النصوص عن الرضا علیه السلام قال: لا دین لمن لا ورع له ولا ایمان لمن لا تقیة له، وإن أکرمکم عند الله أعملکم بالتقیة. فقیل: یا ابن رسول الله! إلی متى؟ قال: إلی یوم الوقت المعلوم، و هو یوم خروج قائمنا؛ فمن ترک التقیة قبل خروج قائمنا فلیس منا. فقیل له: یا ابن رسول الله! ومن القائم منکم أهل البیت؟ قال: الزابع من ولدی، ابن سیدة الإمام، یطهر الله به الأرض من کل جور. تمام الخبر.

أخبرنا و حدّثنا بذلك الكتاب السید السعید جلال الدین أبوعلی بن حمزة الموسوی عن شیوخه عن ثقة عن النبی والأئمة علیهم السلام. (طبرسی، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۳)

خزاز همین حدیث را با همین الفاظ و با اسناد خود می‌آورد:

❖ روایت خزاز: حدّثنا محمد بن علی رحمه الله قال حدّثنا أحمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی قال حدّثنا علی بن ابراهیم عن ابيه عن علی بن معبد عن الحسين بن خالد قال قال علی بن موسی الرضا لا دین لمن لا ورع له) ولا ایمان لمن لا تقیة له وإن أکرمکم عند الله أعملکم بالتقیة فقیل له یا ابن رسول الله إلی متى قال إلی یوم الوقت المعلوم و هو یوم خروج قائمنا فمن ترک التقیة قبل خروج قائمنا فلیس منا فقیل له یا ابن رسول الله

ومن القائم منكم أهل البيت قال الزابع من ولدي ابن سيدة الإمام يطهر الله به الأرض من كل جورٍ ويقدها من كل ظلمٍ وهو الذي تشكُّ الناس في ولادته وهو صاحب الغيبة قبل خروجه فإذا خرج أشرفت الأرض بنوره يضع ميزان العدل بين الناس فلا يظلم أحدٌ أحداً وهو الذي تطوى له الأرض ولا يكون له ظلٌّ وهو الذي ينادي منادٍ من السماء يسمعه جميع أهل الأرض بالدعاء إليه ألا إن حجة الله قد ظهر عند بيت الله فاتبعوه فإن الحق معه و فيه وهو قول الله عزَّ وجل إن نشأ نزل عليهم من السماء آيةً فظلت أعناقهم لها خاضعين. (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۴۷)

بیان مرحوم طبرسی از نام کتاب و وجود الفاظ روایت در کتاب موجود، انتساب کتاب کفایه را به خزاز تقویت می نماید. علی بن حسن بن فضل طبرسی پس از بیان روایت می نویسد: «أخبرنا و حدَّثنا بذلك الكتاب السيد السعيد جلال الدين أبو علي بن حمزة الموسوي عن شيوخه عن ثقة عن النبي والأئمة عليهم السلام». یعنی آنکه استاد و شیخ ابوعلی بن حمزه موسوی کتاب کفایه را برای او حدیث کرده است. ضمناً با کلمه «عن ثقة» مؤلف کتاب یعنی خزاز قمی را توثیق کرده است. درباره علی بن حسن بن فضل طبرسی و استادش ابوعلی بن حمزه موسوی به چند مطلب از عالمان رجالی در تأیید و تجلیل ایشان اشاره می کنیم:

(۱) عبدالله بن عیسی بیگ افندی در کتاب «ریاض العلماء و حیاض الفضلاء» می نویسد: الشیخ ثقة الاسلام ابو الفضل علی بن الشیخ رضی الدین ابی النصر الحسن ابن الشیخ ابی علی الفضل بن الحسن بن الفضل الطبرسی الفاضل العالم الفقیه المحدث الجلیل، صاحب مشکاة الأنوار، و یروی عن السید السعید جلال الدین ابی علی بن حمزة الموسوی و غیره كما ینظر من المشکاة المذكور. (افندی، ۱۴۰۱: ۳/۴۰۶)

(۲) آقا بزرگ طهرانی در کتاب «طبقات اعلام الشیعة» می نویسد: أبوعلی بن حمزة الموسوی السید جلال الدین، یروی عنه سبط الطبرسی و هو الشیخ علی بن الحسن بن الفضل فی کتابه «مشکاة الأنوار»، فانه روى فی الفصل الحادي عشر

من الباب الأوّل منه في التقيّة حديثاً عن كتاب «النصوص» للخزّاز وقال: أخبرنا و حدثنا بذلك الكتاب السيد السعيد جلال الدين أبو علي بن حمزة الموسوي عن شيوخه. (طهرانی، ۱۳۹۲: ۵/۲)

۳) سيد محسن امين در كتاب «ايعان الشيعة» می نویسد: السيد السعيد جلال الدين أبو علي بن حمزة الموسوي من أجلة مشايخ سبط الشيخ أبي علي الطبرسي كما نص عليه في كتاب مشكاة الأنوار له قاله في الرياض. (امين، ۱۴۰۳: ۳۸۵/۲)

سوم) عبد الكريم بن احمد بن طاووس، عالم قرن هفتم، در كتاب فرحة الغري

سيد غياث الدين، عبدالكريم بن احمد بن موسى بن طاووس حلی (م ۶۹۳ ق) در كتاب خود «فرحة الغري في تعيين قبر أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام في النجف»، به مناسبت موضوع مورد نظر خود يعنى تعيين محل مدفن امير المؤمنين عليه السلام، حديثى را از خزّاز روايت می کند. وی البته با تعبیر «و ذکرمتناً» اصل حديث را نقل نمی کند، اما به يك جمله از راوی در بيان محل دفن آن حضرت استناد می نماید. آنچه برای ما در این نوشتار مهم است، نام بردن عبدالكريم بن طاووس از خزّاز و كتاب او كفايه است. ما در اینجا بيان ابن طاووس را آورده و آن را با كتاب كفايه موجود مطابقت می دهيم.

➤ فرحة الغرى: وأخبرني والدي رضي الله عنه عن السيد أبي علي فخار بن معد الموسوي عن شاذان بن جبرئيل القمي عن الفقيه محمد بن سراهنك عن علي بن علي بن عبد الصمد التميمي عن والده عن السيد أبي البركات الجوري بالراء غير المعجمة عن علي بن محمد بن علي القمي الخزّاز قال أخبرنا محمد بن عبد المطلب الشيباني قال حدثنا محمد بن الحسين بن جعفر الخثعمي الأشناني قال حدثنا أبو هاشم محمد بن يزيد القاضي قال حدثنا يحيى بن آدم قال حدثنا جعفر بن زياد الأحمر عن صفوان بن قبيصة عن طارق بن شهاب قال قال أمير المؤمنين ص و ذکرمتناً ثم قال و توفي أمير المؤمنين عليه السلام ليلة إحدى و عشرين من شهر رمضان الشريف لأربعين سنة مضت من الهجرة و دفن بالغري. و ذكر ذلك في كتاب الكفاية في النصوص للخزّاز رحمه الله. (ابن طاووس، ۱۳۶۸: ۱۳۴)

❖ کفایة الأثر: أخبرنا محمد بن عبد الله قال حدثنا محمد بن الحسين بن جعفر الخثعمي الأشناني قال حدثنا أبو هاشم محمد بن يزيد القاضي قال حدثنا يحيى بن آدم قال حدثنا جعفر بن زياد الأحمر عن أبي الصيرفي عن صفوان بن قيصة عن طارق بن شهاب قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام للحسن والحسين أنتما إمامان بعدي سيدا شباب أهل الجنة والمعصومان حفظكما الله ولعنة الله على من عاداكما. قال وتوفي أمير المؤمنين عليه السلام ليلة إحدى وعشرين من شهر رمضان لأربعين سنة مضت من الهجرة ودفن بالغري. (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۲۱)

همانطور که مشاهده می شود، اولاً سند دو کتاب شباهت تام دارند. ثانیاً بیان ابن طاووس مبنی بر اینکه: «و ذکر ذلك في كتاب الكفاية في النصوص للخزاز رحمه الله» بسیار واضح است. هم منبع حدیث را نقل کرده و هم مؤلف کتاب را نام برده و برایش طلب رحمت نموده است. براین اساس، بیان این عالم قرن هفتم به خوبی انتساب کتاب کفایه به خزاز را بیش از پیش تحکیم می بخشد.

چهارم) ابراهیم بن محمد جوینی عالم قرن ۷ و ۸ در «فرائد السمطين»

محدث قرن هفتم و هشتم، ابراهیم بن محمد جوینی خراسانی (۶۴۴-۷۳۰) در کتاب خود «فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الأئمة من ذريتهم عليهم السلام»، در جلد دوم باب «ما ورد عن الإمام الرضا علي بن موسى عليه السلام في البشارة بظهور المهدي المنتظر و إشراق الدنيا بنوره و سعادة العالمين في أيامه الميمونة»، دو حدیث نقل می کند. نخستین حدیث را به روایت خزاز از شیخ صدوق اختصاص می دهد. وی از خزاز با نام کامل و از کتابش با نام کفایة یاد می کند. این روایت با تمام مشخصات (سند و متن) در کتاب کفایه موجود است. دومین روایت را نیز چنین آغاز کرده است: «و بالسند المتقدم عن محمد بن علي بن بابويه قال». این حدیث نیز بتمامه در کتاب کفایه موجود است. این دو روایت را در زیر می آوریم:

ما ورد عن الإمام الرضا علي بن موسى عليه السلام في البشارة بظهور المهدي المنتظر و إشراق الدنيا بنوره و سعادة العالمين في أيامه الميمونة

(۱) فرائد السمطین: أخبرنا السید الإمام المعظم العالم بقیة السلف الصالح شرف الدین أبو جعفر الأشرف بن محمد بن جعفر الحسینی المدائنی النحوی اللّغوی ببغداد بمسجد المختارة سنة خمس وتسعين وست مائة قال أخبرنا الإمام منتجب الدین علی ابن عبید الله بن الحسین بن بابویه القمّی ثمّ الرازی عن السید اُبی محمد شمس الشرف ابن علی بن عبد الله الحسینی السیلقی عن الشیخ المؤید اُبی محمد عبد الرحمن ابن أحمد بن الحسین النیسابوری الخزاعی، عن الشیخ اُبی المفصل محمد بن الحسین ابن سعید القمّی المجاور ببغداد إجازة عن الشیخ علی بن محمد بن علی الخزاز صاحب الكفایة عن اُبی جعفر محمد بن علی بن بابویه حدّثنا أحمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی حدّثنا علی بن ابراهیم عن اُبیہ عن علی بن سعید عن الحسین بن خالد قال قال علی بن موسی الرضا علیه السلام لا دین لمن لا ورع له ولا ایمان لمن لا تقیة له وإن أکرّمکم عند الله أتاکم أی عملکم بالتقیة فقیل إلی متی یا ابن رسول الله قال إلی یوم الوقت المعلوم وهو یوم خروج قائمنا فمن ترک التقیة قبل خروج قائمنا فلیس منا فقیل له یا ابن رسول الله ومن القائم منکم أهل البیت قال الرابع من ولدی ابن سیدة الإمام یطهر الله به الأرض من کل جور و یقدّسها من کل ظلم وهو الذی یشکّ الناس فی ولادته وهو صاحب الغیبة قبل خروجه فإذا خرج أشرقّت الأرض بنوره ووضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم أحد أحدا وهو الذی تطوی له الأرض ولا یكون له ظلّ وهو الذی ینادی مناد من السماء یسمعه الله جمیع أهل الأرض بالدعاء إلیه یقول ألا إنّ حجّة الله قد ظهر عند بیت الله فاتبعوه فإنّ الحقّ فیہ ومعه وهو قول الله عزّ وجلّ «إن نشأ ننزل علیهم من السماء آیةً فظلتّ أعناقهم لها خاضعین» [۴/ الشعراء: ۲۶]. (جوینی، ۱۴۰۰: ۳۳۶/۲؛ مقایسه شود با: خزاز، ۱۴۰۱: ۲۴۷)

(۲) فرائد السمطین: (و بالسند المتقدم عن محمد بن علی بن بابویه قال) حدّثنا أحمد ابن زیاد - وعنه حدّثنا أحمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی - حدّثنا علی بن ابراهیم بن هاشم عن اُبیہ عن عبد السلام بن صالح الهروي قال سمعت دعبل بن علی الخزاعی یقول أنشدت مولای الرضا علیه السلام قصیدتی التي أولها

مدارس آیات خلت من تلاوة

فلما انتهیت إلى قولي

خروج إمام لا محالة خارج يقوم على اسم الله والبركات
میمرتینا کل حق و باطل و یجزی علی النعماء و النعمات

بکی [الإمام] الرضا علیه السلام بكاء شديدا ثم رفع رأسه إليّ فقال يا خزاعي نطق روح القدس على لسانك بهذين البيتين فهل تدري من هذا الإمام ومتى يقوم قلت لا يا مولاي إلا أنني سمعت بخروج إمام منكم يطهر الأرض من الفساد ويملاها عدلا فقال يا دعبل الإمام بعدي محمد ابني و بعد محمد ابنه عليّ و بعد عليّ ابنه الحسن و بعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر في غيبته المطاع في ظهوره [و] لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج فيملاها عدلا كما ملئت جورا وأما متى فأخبار عن الوقت فقد حدثني أبي عن جدّي عن أبيه عن آبائه عن عليّ علیه السلام [أن النبي صلى الله عليه وآله وسلم] قيل له متى يخرج القائم من ذرّيتك فقال مثله كمثّل الساعة لا يجليها لوقتها إلا هوثقلت في السماوات والأرض لا تأتكم إلا بغتة» [۱۸۷/الأعراف: ۷]. (جوینی، ۱۴۰۰: ۳۳۷/۲؛ مقایسه شود با خزاز، ۱۴۰۱: ۲۷۵)

با توجه به اینکه جوینی روایت را از خزاز و کفایه نقل کرده و نیز شباهت صد درصدی سند و متن، با روایت موجود در کفایه، انتساب کتاب کفایه را به خزاز قمی مضاعف می‌نماید.

پنجم) علی بن محمد نباطی بیاضی عالم قرن نهم در «الصرط المستقیم»

محدث دیگری که از کفایه و خزاز نام برده و مفصلاً از آن کتاب حدیث نقل کرده است، علی بن محمد بن یونس عاملی نباطی بیاضی (م ۸۷۷ ق) از اعلام قرن نهم در کتاب «الصرط المستقیم الی مستحقی التقدیم» است. بیاضی از روایات کتاب کفایه در جلد دوم کتاب خود به وفور استفاده کرده است. بر مبنای مطالعه نگارنده این سطور، نتایجی حاصل شده است که برای ما ثابت می‌کند کتاب کفایه‌ای که در نزد بیاضی بوده، همان کتابی است که امروز در دست ماست.

بیاضی در نخستین مورد که از خزّاز نام برده، نام کامل او و نام کتاب را ذکر کرده است: و أسند الشيخ السعيد علي بن محمد بن علي الخزّاز في كتابه الكفایة إلى أنس... اما در بقیه مواردی که از خزّاز روایت کرده، از او به اختصار یاد کرده سپس روایت مورد نظرش را نقل کرده است. یادکرد اختصاری بیاضی از خزّاز را نگارنده احصا نموده در اینجا نقل می‌نماید:

و أسند الشيخ السعيد علي بن محمد بن علي الخزّاز في كتابه الكفایة... ۱ مورد (بیاضی، ۱۳۸۴: ۱۱۳/۲)

و أسند الخزّاز..... ۴ مورد (بیاضی، ۱۳۸۴: ۱۱۷/۲)

و أسند صاحب الكفایة..... ۱۴ مورد (بیاضی، ۱۳۸۴: ۱۱۴/۲)

و أسند علی بن محمد..... ۳۲ مورد (بیاضی، ۱۳۸۴: ۱۱۳/۲)

و أسند نحوه، و أسند مثله، و أسند ایضاً..... بیش از ۸۰ مورد

بر مبنای شمارشی که انجام شد، بیاضی ۱۳۱ حدیث از کتاب کفایه نقل کرده است. البته ممکن است نقل بیاضی بیش از این تعداد باشد. روش بیاضی در نقل روایت به این گونه است که:

اولاً: سند حدیث را حذف می‌کند.

ثانیاً: از روایت فقط قسمت مورد نظرش را نقل می‌کند.

ثالثاً: در بسیاری از موارد به عباراتی مانند: و أسند نحوه، و أسند مثله، و أسند ایضاً

اکتفا کرده و از بیان حدیث یا بخشی از آن خودداری می‌نماید.

رابعاً: گاه از عبارات حدیث نقل به معنا کرده و آن را کوتاه می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد، بیاضی به طور کلی از نقل روایات طولانی پرهیز کرده و آن را

۱. همچنین در صفحات: ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۳۲، ۲۴۱.

۲. همچنین در صفحات: ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۶.

۳. همچنین در صفحات: ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۷.

۱۵۸، ۱۵۹، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲.

۴. همان، صفحات متعدد.

خلاصه می‌کند. همچنین اسناد را حذف کرده و گاه فقط به بیان این که مشابه این روایت را فلانی در کتابش آورده کتاب خود را کوتاه نموده و در عوض روایات پرشماری را از کتب متعدد نقل نموده و به مقصد خود رسیده است.

ما برای اینکه مشابهت روایاتی را که بیاضی از کفایه نقل کرده ثابت کنیم، باید به سراغ روایاتی برویم که بیاضی مقدار مناسبی از متن آن را نقل نموده باشد و آن را با روایات موجود در کتاب کفایه الاثر مطابقت نماییم. برای این منظور هجده حدیث را انتخاب کرده و نتایج مقایسه و مطابقت خود را در زیر می‌آوریم. باشد که برای اثبات اصالت کتاب کفایه موجود و انتساب به مؤلف مفید و مؤثر افتد.

تطبیق هجده روایت کتاب «الصراط المستقیم» با «کفایه الاثر»

(۱) الصراط المستقیم: وأسند الشيخ السعيد علي بن محمد بن علي الخزاز في كتابه الكفاية إلى أنس أنه سأل النبي ﷺ عن حوارى عيسى فقال اثنا عشر قلت فما حواريك قال ص الأئمة بعدي اثنا عشر هم من صلب علي وفاطمة ع. (همان: ۱۱۳؛ مقایسه شود با خزاز، ۱۴۰۱: ۶۹)

(۲) الصراط المستقیم: وأسند محمد بن وهبان إلى أبي هريرة قول النبي ص من أراد أن يحيا حياتي ويموت ميتتي فليتلو علي بن أبي طالب وليقتد بالأئمة من بعده عدد الأسباط. (بیاضی، ۱۳۸۴: ۱۱۴/۲؛ مقایسه شود با خزاز، ۱۴۰۱: ۸۶)

(۳) الصراط المستقیم: وأسند صاحب الكفاية إلى زيد بن أرقم قول النبي ﷺ لعلي أنت سيد الأوصياء وبنك سيدا شباب أهل الجنة ومن خلف الحسين تخرج الأئمة التسعة إذا مت ظهرت لك ضغائن في صدور قوم يتمالئون عليك ويمنعوك حقا. (بیاضی، ۱۳۸۴: ۱۱۶/۲؛ مقایسه شود با خزاز، ۱۴۰۱: ۱۰۱)

(۴) الصراط المستقیم: وأسند محمد بن وهبان إلى قتادة قول النبي ص كيف تهلك أمة أنا أولها واثنا عشر من بعدي أئمتها إنما يهلك فيما بين ذلك ثبج أعوج لست منهم وليسوا مني ونحوه أسند الشيباني إلى أبي قتادة. (بیاضی، ۱۳۸۴: ۱۱۵/۲؛ خزاز، ۱۴۰۱: ۱۴۱)

٥) الصراط المستقیم: وأسند أبو صالح إلى زيد بن ثابت قول النبي ص لا تذهب الدنيا حتى يقوم بأمرأتي رجل من صلب الحسين عليه السلام يملأها عدلا كما ملئت جورا قلنا من هو قال هو الإمام التاسع من ولد الحسين عليه السلام. (بياضى، ١٣٨٤: ١١٥/٢؛ مقايسه شود با خزاز، ١٤٠١: ٩٧)

٦) الصراط المستقیم: وأسند علي بن محمد إلى أبي أمامة قول النبي ص الأئمة بعدي اثنا عشر كلهم من قريش تسعة من صلب الحسين والمهدي منهم. (بياضى، ١٣٨٤: ١١٦/٢؛ مقايسه شود با خزاز، ١٤٠١: ١٠٦)

٧) الصراط المستقیم: وأسند الخزاز إلى واثلة قول الله للنبي ص في الإسراء يا محمد ما أرسلت نبيا فانقضت أيامه إلا وأقام بالأمر من بعده وصيه فاجعل علي بن أبي طالب الوصي بعدك ثم أراه اثني عشر نورا وقال يا محمد هؤلاء أسماء الأئمة بعدك أمناء معصومون. (بياضى، ١٣٨٤: ١١٧/٢؛ مقايسه شود با خزاز، ١٤٠١: ١١٠)

٨) الصراط المستقیم: وأسند محمد بن وهبان إلى سعيد بن مالك قول النبي صلى الله عليه وآله لعلي حبك إيمان وبغضك نفاق ولقد نبأني اللطيف الخبير أنه يخرج من صلب الحسين تسعة من الأئمة معصومون مطهرون ومنهم مهدي هذه الأمة الذي يقوم بالدين في آخر الزمان كما قمت في أوله. (بياضى، ١٣٨٤: ١١٧/٢؛ مقايسه شود با خزاز، ١٤٠١: ١٣٤)

٩) الصراط المستقیم: وأسند صاحب الكفاية إلى سلمان قول النبي ص الأئمة بعدي اثنا عشر عدة شهور الحول ومنها مهدي هذه الأمة له غيبة موسى و بهاء عيسى وحكم داود وصبر أيوب. (بياضى، ١٣٨٤: ١١٨/٢؛ مقايسه شود با خزاز، ١٤٠١: ٤٣)

١٠) الصراط المستقیم: وأسند صاحب الكفاية إلى أبي ذر قول النبي صلى الله عليه وآله له في مرضه فاطمة بضعة مني من آذاها فقد آذاني بعلمها سيد الوصيين و ابنها إمامان قاما أو قعدا وأبوهما خير منهما وسوف يخرج من صلب الحسين تسعة معصومون قوامون بالقسط ومنها مهدي هذه الأمة والأئمة بعدي عدد نقيب بني إسرائيل. (بياضى، ١٣٨٤: ١١٨/٢؛ مقايسه شود با خزاز، ١٤٠١: ٣٦)

(۱۱) الصراط المستقیم: و أسند صاحب الكفاية إلى ابن جبير إلى ابن عباس قول النبي ص إن الله اطلع إلى الأرض فاخترني فجعلني نبيا وثانية فاختر عليا وأمرني أن أتخذة وصيا فهو أبو سبطيني جعلني الله وإياهم حججا على عباده و جعل من صلب الحسين أئمة يقومون بأمري و يحفظون وصيتي التاسع منهم قائم أهل بيتي وأشبهه الناس بي يظهر بعد غيبة طويلة و حيرة مضلة. (بياضى، ۱۳۸۴: ۱۲۱/۲؛ مقايسه شود با خزاز، ۱۴۰۱: ۱۰)

(۱۲) الصراط المستقیم: و ذكر صاحب البصائر و صاحب الكفاية حديثا مسندا إلى عمر بن الخطاب هو قول النبي ص الأئمة بعدي اثنا عشر. (بياضى، ۱۳۸۴: ۱۲۲/۲؛ مقايسه شود با خزاز، ۱۴۰۱: ۹۰)

(۱۳) الصراط المستقیم: و أسند صاحب الكفاية إلى أم سلمة حين سألت النبي ﷺ عن قوله تعالى فأولئك مع الذين أنعم الله عليهم الآية قال الذين أنعم الله عليهم من التبيين أنا و الصديقين علي بن أبي طالب و الشهداء الحسنان و الصالحين حمزة و حسن أولئك رفيقاً الأئمة الاثنا عشر. (بياضى، ۱۳۸۴: ۱۲۲/۲؛ مقايسه شود با خزاز، ۱۴۰۱: ۱۸۲)

(۱۴) الصراط المستقیم: و أسند علي بن محمد إلى علي عليه السلام قول النبي ص ستفترق أمتي على ثلاث و سبعين فرقة واحدة ناجية و هم المتمسكون بولايتكم لا يعملون برأيهم أولئك ما عليهم من سبيل و سأله عن الأئمة فقال ص عدد نقيب بني إسرائيل. (بياضى، ۱۳۸۴: ۱۲۶/۲؛ مقايسه شود با خزاز، ۱۴۰۱: ۱۵۵)

(۱۵) الصراط المستقیم: و أسند علي بن محمد إلى الصادق إلى آبائه عليه السلام قول رسول الله ﷺ الأئمة بعدي اثنا عشر أولهم علي بن أبي طالب و آخرهم القائم هم خلفائي المقربهم مؤمن و المنكر لهم كافر. (بياضى، ۱۳۸۴: ۱۲۷/۲؛ مقايسه شود با خزاز، ۱۴۰۱: ۱۵۳)

(۱۶) الصراط المستقیم: و أسند الخزاز إلى جنادة بن أبي أمية أنه دخل على الحسن ع في مرضه و هو يقذف الدم في طشت من سمه فقلت ألا تعالج نفسك فقال إن رسول الله ص عهد إلينا أن هذا الأمر يملكه اثنا عشر اماما من ولد

علی و فاطمة و ما منا إلا مسموم أو مقتول. (بیاضی، ۱۳۸۴: ۱۲۸/۲؛ مقایسه شود با خزّاز، ۱۴۰۱: ۲۲۶)

۱۷) الصراط المستقیم: و أسند علی بن محمد إلى الکابلی أنه دخل علی زین العابدین و سأله کم الأئمة بعدک فقال ع ثمانية لأن الأئمة بعد النبی ﷺ اثنا عشر ثلاثة من الماضین و أنا الرابع و ثمانية من ولدی من أحبنا و عمل بامرنا کان معنا و من رد علينا أو علی واحد منا فهو کافر. (بیاضی، ۱۳۸۴: ۱۳۱/۲؛ مقایسه شود با خزّاز، ۱۴۰۱: ۲۳۶)

۱۸) الصراط المستقیم: و أسند علی بن محمد عن أبي المفضل إلى عائشة قالت کان لنا مشربة و کان جبرائیل إذا لقيه لقيه فيها فلقیه مرة فصعد إليه الحسین فأجلسه النبی ﷺ علی فخذه فخبره جبرائیل بقتله فبکی فقال لا تبک سینتقم الله من قاتلیه بقائمکم أهل البيت التاسع من ولد الحسین فإن ربي أخبرني أنه سيخلق من صلبه ولدا و سماه عنده علیا خاضع لله خاشع ثم يخرج من صلب علي ابنه و سماه عنده محمدا قانت لله ساجد ثم يخرج من صلبه ابنه و سماه عنده جعفرنا طق عن الله صادق في الله و يخرج من صلبه ابنه و سماه عنده موسى و اثنى بالله محب في دين الله و يخرج من صلبه ابنه و سماه عنده عليا الراضي بالله و الداعي إلى الله و يخرج من صلبه ابنه و سماه عنده محمدا المرغب في الله و الذاب عن حرم الله ثم يخرج من صلبه ابنه و سماه عنده عليا المكتفي بالله و الولي لله ثم يخرج من صلبه ابنه و سماه عنده حسنا مؤمن بالله مرشد إلى الله و يخرج من صلبه كلمة الحق و لسان الصدق حجة الله علی بريته له غيبة يظهر الله به الإسلام و أهله و يخسف به الكفر و أهله. (بیاضی، ۱۳۸۴: ۱۴۵/۲؛ مقایسه شود با خزّاز، ۱۴۰۱: ۱۸۷)

پس از مطابقت روایات خزّاز در این دو کتاب و با عنایت به شباهت ۱۰۰ درصدی این روایات و با توجه به فاصله زمانی حدود شش قرن بین زمانه بیاضی تاکنون، به خوبی ثابت می شود که کتاب کفایه ای که نزد بیاضی بوده همان کفایه ای است که امروز در دست ماست. این نکته، درجه اصالت کتاب کفایة الاثررا بیش از پیش می نماید.

نتیجه

در این نوشتار کتاب‌های زیر مورد بررسی قرار گرفت:

۱ و ۲) دو کتاب «مناقب آل ابیطالب» و «معالم العلماء» تألیف ابن شهر آشوب مازندرانی (قرن ششم)

۳) کتاب «مشکاة الانوار» تألیف علی بن حسن طبرسی (قرن ششم)

۴) کتاب «فرحة الغري في تعيين قبرا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام في النجف» تألیف عبدالکریم بن احمد ابن طاووس (قرن هفتم)

۵) کتاب «فرائد السّمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السّبطين و الأئمة من

ذّریّتهم عليهم السلام» تألیف ابراهیم بن محمد جوینی (قرن هشتم)

۶) کتاب «الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم» تألیف علی بن محمد بن یونس

بیاضی نباطی (قرن نهم)

این شش کتاب اثر مؤلفان چهار قرن پیاپی پس از خزّاز قمی می‌باشد. در این مقاله روایات نقل شده از خزّاز یک به یک مورد مقایسه و تطبیق با کتاب کفایه قرار گرفت. می‌توان گفت حدود سی درصد روایات کتاب کفایه در این مقاله با شش کتاب بعدی در قرون مختلف مطابقت شد. در پایان نتیجه می‌گیریم که کتاب کفایه‌ای در نزد عالمان چهار قرن پیاپی بوده است، همان کتابی است که امروز در نزد ماست و به زیور طبع و نشر آراسته شده است. پس می‌توان چنین بیان نمود که کتاب خزّاز قطعاً از قرن ششم به بعد در دسترس بوده و مورد مراجعه محدثان بوده است.

فہرست منابع

- ابن شہر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، متشابہ القرآن و مختلفہ، چاپ اول، قم، دار بیدار للنشر، ۱۳۶۹ھ۔
- معالم العلماء فی فہرست کتب الشیعۃ و اسماء المصنفین منہم قدیماً و حدیثاً، تحقیق طباطبائی یزدی، علی، چاپ اول، تہران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴ش۔
- مناقب آل ابی طالب علیہ السلام، چاپ اول، قم، علامہ، ۱۳۷۹ھ۔
- ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد، فرحۃ الغری فی تعیین قبر امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیہ السلام فی النجف، چاپ اول، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ھ۔
- استادی، رضا، «نصوص شیخ مفید یا کفایۃ الاثر خزازی»، کیهان انڈیشہ، شماره ۵۴-۴۹، مرداد و شہریور ۱۳۷۲ش۔
- افندی اصفہانی، میرزا عبداللہ بن عیسی بیگ، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ اول، قم، مطبعۃ الخیام، ۱۴۰۱ھ۔
- امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعۃ، چاپ اول، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ھ۔
- انصاری، حسن، «کتاب النصوص شیخ صدوق»، یادداشت‌های حسن انصاری در سایت ansari.kateban.com، مهر ۱۳۸۶ش۔
- بیاضی نباطی عاملی، علی بن محمد بن علی بن محمد بن یونس، الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، چاپ اول، نجف، المکتبۃ الحیدریۃ، ۱۳۸۴ھ۔
- جامع الاحادیث نور، فرهنگ جامع احادیث پیامبر و اهل بیت علیہم السلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نسخه ۳/۵۔
- جوہری بصری، احمد بن عبد العزیز، مقتضب الأثر فی النصّ علی الأئمۃ الإثنی عشر، چاپ اول، قم، انتشارات طباطبائی، بی تا۔
- جوینی، ابراہیم بن محمد، فرائد السّمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السّبّطین و الأئمۃ من ذریّتهم علیہم السلام، چاپ اول، بیروت، مؤسسۃ المحمودی للطباعة و النشر، ۱۴۰۰ھ۔
- خزازی، علی بن محمد، کفایۃ الأثر فی النصّ علی الأئمۃ الإثنی عشر، چاپ اول، قم، بیدار، ۱۴۰۱ھ۔
- کفایۃ الأثر فی النصوص علی الأئمۃ الإثنی عشر، چاپ اول، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷ش۔
- کفایۃ الأثر فی النصّ علی الأئمۃ الإثنی عشر، چاپ دوم، قم، زمزم ہدایت، ۱۳۹۵ش۔
- کتاب کفایۃ فی النصوص علی عدد الأئمۃ الإثنی عشر، چاپ اول، قم، مکتبۃ العلامۃ المجلسی، ۱۳۹۶ش۔
- رحمتی، محمد کاظم، تشیع تاریخ و فرهنگ، چاپ اول، قم، انتشارات مورخ، ۱۳۹۵ش۔
- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، چاپ اول، نجف، المکتبۃ الحیدریۃ، ۱۳۸۵ھ۔

- طهرانی، آقا بزرگ، طبقات اعلام الشيعة ج ۲ (الثقات العيون في سادس القرون)، چاپ اول، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۲ هـ.
- طوسی، محمد بن الحسن، فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، چاپ اول، قم، مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ هـ.
- ، رجال الطوسی، چاپ سوم، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- قهاری، سید مصطفی، «شبكة مضامين مرتبط با ولايت امام علي ع مبتنی بر تحليل مضمون احاديث كتاب كفاية الاثر»، دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال ۱۴، شماره ۲۸، پاییز ۱۴۰۱ ش.
- کریمیان، سعید، «ابتداء كتاب كفاية الاثر تأليف خراز قمی بر كتب شيخ صدوق»، فصلنامه سفینه، دوره ۱۸، شماره ۷۲، ۱۴۰۰ ش.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، چاپ ششم، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.